

فکر و آگاهی

بیت‌السلام

۴۴

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی / شماره چهل و چهارم / تابستان ۱۳۹۷



ظرفیت تمدن سازی اربعین حسینی
گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی



فانوس

فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۷

ظرفیت تمدن‌سازی اربعین حسینی

گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا عابدینی در دومین همایش هیأت‌های فعال در
عرصه اربعین به همت جامعه ایمانی مشعر، قم المقدسه، مهرماه ۱۳۹۶
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر

طراح جلد: مجتبی خاوری

صفحه آرا: حسن ناصری

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم - صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵

رابطه‌نامه: info@۱۵۴۲.org

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

بسم ربیع

مقدمه

رشد و گسترش رویکرد افکار عمومی جهان به دین اسلام، انکارناپذیر است، همچنان که برخی از اندیشکده‌های آمریکایی - غربی اذعان داشته‌اند که دین اسلام در دهه‌های آینده دین اول مردم جهان خواهد بود. حضور گسترده مردم سراسر دنیا از هر دین و آیینی در ایام منتهی به پیاده‌روی اربعین حسینی مصداقی بر این واقعیت است. از دیگر سو، این همایش عظیم مردمی ظرفیت بسیار عظیمی را برای ترویج فرهنگ معرفتی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فراروی جهان اسلام قرار می‌دهد.

نظام سلطه با اعتراف و اذعان به گسترش دین اسلام در اقصی نقاط جهان به انحای مختلف درصد بایکوت این واقعه بی‌مثال اعصار گذشته است. مروری بر محتوای رسانه‌های غربی - آمریکایی نشان می‌دهد که در طول برگزاری پیاده‌روی اربعین حسینی این گروه از رسانه‌ها کمترین اشاره‌ای به آن نداشته و بلکه با انتشار گزارشات و اخبار مجعول و مغرضانه درصد انحراف توجهات افکار عمومی برآمده‌اند و این بایکوت خبری از جانب دشمن نشانه عظمت این

جریان است که خداوند متعال برای بشریت، از اول انبیا تا ظهور منجی آخرالزمان ترسیم کرده است و حقیقت عاشورا اصلاً ایجاد شد تا ظهور محقق شود و ظهور نتیجه عاشورا است. در این میان، جریان اربعین است که انسان را به تعجیل در ظهور می‌رساند و به ما می‌نمایاند که ارتباط ما با عاشورا، یک ارتباط تکلیف‌ساز است، نه یک ارتباط صرفاً از روی محبت.

منشور حاضر، بیانات حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا عابدینی در همایش هیأت‌های فعال در عرصه اربعین با موضوع بسترهای معرفتی و تمدنی جریان اربعین و جریان امام حسین (ع) می‌باشد که در پاییز ۱۳۹۶ در شهر مقدس قم برگزار گردید. ایشان پس از معرفی جریان عاشورا، بعنوان یک جریان تمدن‌ساز و استعدادساز، به این مطلب اشاره نمودند که اگر یک جریان استعدادساز شد آن وقت هیأت باید طبق این شکل بگیرد. اگر یک هیأتی خودش را این گونه ببیند که مداحی‌اش، مرثیه‌اش، سخنرانی‌اش، آن قالب‌های ظاهری و ظرفیت‌سازی‌هایش و ورود و خروجش، بشریت را می‌خواهد مخاطب قرار بدهد، افق نگاه و هدفش را بیداری بشریت قرار داده است و قدمی برای تعجیل در ظهور و شکوفایی عقل برداشته است.

امید است که منشور حاضر، چراغ راهی باشد برای رسیدن به هیأت تراز انقلاب اسلامی.

جریان تاریخی
انبیا (ع) از ابتدای
آدم (ع) تا ظهور
حضرت حجت (ع)
یک جریان واحد
است که هر یک در
آن نقشی دارند و
مرحله‌ای از این
جریان را محقق
کرده‌اند؛ این،
پیوستگی جریان
انبیا (ع) است.

پیوستگی جریان انبیا و اولیای الهی ﷺ

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث درباره بسترهای معرفتی و تمدنی جریان اربعین و جریان امام حسین ﷺ است؛ البته ما توان این بحث را نداریم؛ چون علمش را هم نداریم؛ ولی درعین حال کمی درباره آنچه تاکنون تجربه شده و تحقق پیدا کرده گفتگو می‌کنیم تا افق‌های جدیدی گشوده شود و شناخت بیشتری ایجاد گردد.

نکته دقیقی که از ابتدا باید به آن توجه کنیم این است که تمام نهضت و هدف انبیا ﷺ - که از ابتدای آدم ﷺ آغاز شد و تا پیامبر خاتم ﷺ و سپس در اوصیای ایشان به‌ویژه در اوصیای نبی خاتم ﷺ تا جریان ظهور ادامه یافت - یک حقیقت واحد و جاری در طول تاریخ بشر است. همان‌گونه که انسان از دوران کودکی به نوجوانی، سپس به جوانی و بعد به میانسالی و کهنسالی می‌رسد، تاریخ بشریت نیز یک سیر و حیات واحد دارد؛ همچنان‌که امت‌ها حیات دارند.

قرآن می‌فرماید: ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ﴾؛^۱ هر امتی اجل، پایان، رشد و کتابی دارد. هر امتی طبق تعبیر قرآن کتابی دارد که به‌سوی آن دعوت می‌شود؛ کتاب یعنی کتاب اعمال. جریان تاریخی انبیا^{علیهم‌السلام} از ابتدای آدم^{علیه‌السلام} تا ظهور حضرت حجت^{علیه‌السلام} یک جریان واحد است که هر یک در آن نقشی دارند و مرحله‌ای از این جریان را محقق کرده‌اند؛ این، پیوستگی جریان انبیا^{علیهم‌السلام} است. در زیارت امام حسین^{علیه‌السلام} ابتدا سلام را از آدم^{علیه‌السلام} شروع می‌کنیم: «السلام عليك يا آدم صفي الله». بعد به ابراهیم خلیل^{علیه‌السلام} می‌رسیم؛ سپس به موسای کلیم^{علیه‌السلام}، بعد عیسی روح‌الله^{علیه‌السلام}، سپس به پیامبر خاتم^{علیه‌السلام} و بعد به اوصیای ایشان^{علیهم‌السلام} سلام می‌دهیم؛ در زیارتنامه‌ها خطاب «السلام عليك» وجود دارد. این سلام بر تو و ارتباط، سیر را ایجاد می‌کند. این تصادفی نیست که فقط سلام دهیم. با این سلام، در وجود خود جریان‌سازی و فرهنگ‌سازی می‌کنیم که این یک حقیقت و جریان واحد است. اگر این جریان را واحد بدانیم، تمام این‌ها نقشی دارند که آن را اجرا کرده‌اند تا تمدن نهایی و ظهور محقق شود. این اولین نگاه است.

اگر این جریان را واحد بدانیم، تمام اینها نقشی دارند که آن را اجرا کرده‌اند تا تمدن نهایی و ظهور محقق شود.

عاشورا گلوگاه تحولات تاریخی

بشر برای تاریخ‌نگاری به دنبال گلوگاه‌هایی است که تاریخ را با آن تفسیر و تبیین کند؛ مثلاً در دوره‌های اخیر، رنسانس را به‌عنوان یک گلوگاه معرفی می‌کنند و تاریخ را به قبل و بعد از آن تقسیم می‌نمایند. حوادث تاریخی با گلوگاه‌های تاریخی معنا پیدا می‌کند. این حادثه یا گلوگاه، محور تاریخ می‌شود. در نگاه انبیا^{علیهم‌السلام} و خط سیری که عرض شد، انبیا^{علیهم‌السلام} گلوگاه‌های تاریخ و تفسیر تاریخ هستند. این نکته در سلام زیارت تثبیت می‌شود؛ وقتی بر آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و انبیا و اولیا و اوصیا^{علیهم‌السلام} سلام می‌دهیم، یعنی به گلوگاه‌های تاریخ که تاریخ را تفسیر می‌کنند، توجه می‌کنیم. اگر این‌گونه به تاریخ نگاه شود، آن‌گاه نقش جریان عاشورا و اربعین خود را در این منظومه معنا می‌کند.

گاهی عاشورا به‌عنوان یک واقعه و حادثه منفرد و یا حداکثر یک حادثه در امت اسلام در نظر گرفته و تفسیر می‌شود؛ ولی گاهی به‌عنوان یک گلوگاه بزرگ در جریان هدایت بشری در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی گلوگاهی که دوران قبل و بعد از عاشورا با آن تفسیر می‌شود. بروز حقیقت حق و باطل، و پیمان و عهدی که خدا گرفته است، در عاشورا محقق می‌شود. اگر عاشورا را با این

نگاه تفسیر کنیم، آن گاه تمام حوادث به بعد از عاشورا و قبل از عاشورا تفسیر می شوند. اگر همه حوادث مثبت یا منفی به این عنوان تفسیر شدند و تفسیر و تعبیر و گفتگو درباره آن ها بر محوریت عاشورا بود - که چقدر به آن نزدیکاند، چقدر از آن دورند، چه نقشی در عاشورا دارند و ... - همه چیز با این نگاه معنی پیدا می کند.

طبق روایات، حقیقت عاشورا اصلاً ایجاد شد تا ظهور محقق شود؛ یعنی ظهور، نتیجه عاشورا است. روایات مشهوری درباره دوران قبل از تولد امام حسین علیه السلام یا دورانی که ایشان در رحم فاطمه علیها السلام بوده و با حضرت گفتگو می کرده و یا درباره بعد از شهادتشان نقل شده است. در یکی از این روایات وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای سرنوشت فرزندشان گریه کردند، به خدا عرض نمودند: «آیا تغییر در این امر امکان پذیر است؟». خدا فرمود: «در مقابل این مصیبت، نسل امامت در ذریه او قرار می گیرد»؛ با تصریح بر اینکه امام زمان و مهدی امت علیها السلام از نسل ایشان است. اگر ظهور نتیجه عاشورا بوده و امام زمان علیه السلام از نسل امام حسین علیه السلام است، این امر تصادفی نیست.

وقتی بر آدم و نوح
و ابراهیم و موسی
و عیسی و انبیا
و اولیا و اوصیا علیهم السلام
سلام می دهیم،
یعنی به گلوگاه های
تاریخ که تاریخ را
تفسیر می کنند،
توجه می کنیم. اگر
این گونه به تاریخ
نگاه شود، آن گاه
نقش جریان عاشورا
و اربعین خود را در
این منظومه معنا
می کند.

بعثت، غدیر، عاشورا و ظهور گلوگاه‌های تمدنی

یک بحث این است که جریان ظهور ارتباط کاملی با جریان عاشورا دارد، به آن گره می‌خورد و نتیجه آن است؛ پس اگر با این نگاه به جریان انبیا^ﷺ و گلوگاه‌ها و پنج رسول اولوالعزم^ﷺ بنگریم، این‌ها بزرگ‌ترین گلوگاه‌های بشریت در تفسیر تاریخ هستند؛ بعد نبی خاتم^ﷺ به‌عنوان افضل انبیا^ﷺ و ثمره عالم خلقت، گلوگاه اصلی تفسیر تاریخ می‌شود. جریان غدیر، عاشورا و ظهور در نهضت پیغمبر اکرم^ﷺ سه واقعه پس از بعثت هستند. بعثت، غدیر، عاشورا و ظهور چهار گلوگاه تمدنی برای هدایت بشر هستند؛ یعنی سیر تمدنی بشر به‌سوی نتیجه نهایی است که همان حاکمیت توحید در عالم و رشد همه بشر می‌باشد. مراحل این تحقق از آدم^ﷺ شروع می‌شود تا به خاتم^ﷺ می‌رسد؛ سپس غدیر، عاشورا و ظهور این جریان را تکمیل می‌کنند و به‌نتیجه می‌رسانند. اگر ما به چنین نگاهی رسیدیم، آن‌گاه می‌فهمیم که حتی حضور افراد در عاشورا نیز اتفاقی نیست؛ یعنی این‌گونه نیست که عده‌ای [اتفاقی] این‌گونه باشند؛ بلکه تمام این‌ها نقشه الهی و برنامه‌ریزی شده است.

ظرفیت‌های عاشورا در تحقق ظهور

از ظرفیت عاشورا هنوز استفاده نشده است. یکی از ظرفیت‌های عاشورا، حضرت علی اصغر علیه السلام است. چند سال است که یک روز به‌عنوان روز حضرت علی اصغر علیه السلام نام‌گذاری می‌شود؛ در این روز یک جریان حماسی، زیبا و احساسی شکل می‌گیرد. این حرکت بسیار اثرگذار است. برای اینکه ظهور با جریان عاشورا، محقق شود، باید دانست که ظهور، حرکت در مسیر عقل است و می‌خواهد عقلانیت بشر را تغییر دهد. روزی که همه سلاح‌های تخریبی در کارند، سلاح‌ها از کار می‌افتد. درحقیقت سلاح‌ها از کار نمی‌افتد؛ بلکه کسی که با آن‌ها کار می‌کند، دیگر کار نخواهد کرد؛ چون عقل او باید این را به‌کار بیندازد؛ درحالی‌که در عقل او تصرف می‌شود؛ یعنی رشد پیدا می‌کند؛ چون مخاطب عاشورا و ظهور است.

الان بحث کودک‌کشی در جریان نهضت‌های جهانی بسیار سروصدا کرده است. جهانی‌شدن یک موضوع با این کیفیت، ساده نیست؛ مثلاً جریان حضرت علی اصغر علیه السلام به‌عنوان بابی که جریان کودک‌کشی را رسوا می‌کند، ظرفیت بسیار بالایی دارد؛ آن‌هم کودک‌کی تشنه که هیچ قدرت دفاعی ندارد. این جریان کاملاً می‌تواند دیپلماسی وجدان ایجاد کند. الان در دیپلماسی عمومی می‌گویند: «ما وجدان عمومی مردم را برمی‌انگیزیم». دیپلماسی عاشورا نیز دیپلماسی وجدان است؛ یعنی وجدان بشری را مخاطب قرار می‌دهد. کاری به دین ندارد. همان‌طور که امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید!» این آزاده‌بودن یعنی وجدان داشتن؛ یعنی مخاطب دیپلماسی وجدان می‌شود. اگر دیپلماسی وجدان مخاطب است و اگر این خطاب است، پس برانگیختگی منحصر به دین‌داران و مسلمانان نیست.

برای اینکه ظهور با جریان عاشورا، محقق شود، باید دانست که ظهور، حرکت در مسیر عقل است و می‌خواهد عقلانیت بشر را تغییر دهد

نگاه ما به جریان عاشورا این است که فردی که در جریان کربلا حضور دارد، مأموریتی در بیداری عالم و ظهور به عهده دارد؛ یعنی به دنبال این نقش می گردیم. اگر تاکنون جون، غلام ابوذر، را فقط به عنوان یک برده سیاه که به اوج رسیده، نگاه می کردید، حالا جمعیت میلیونی مسلمانان و شیعیان نیجریه را در روز عاشورا نگاه کنید که بزرگ ترین راهپیمایی بعد از اربعین در آنجا انجام می شود. بعد از اربعین در آنجا حرکت میلیونی انجام می شود. این حرکت عظیم از چه چیزی نشئت می گیرد؟ خود آن ها می گویند: «آنچه دل ما را به جریان امام حسین علیه السلام گره زده، حضور یک غلام سیاه از اجداد ما در لشکر امام حسین علیه السلام است»؛ یعنی وجود جون به عنوان یک برده سیاه این چنین دل ها را به خود گره زده، رشد داده و اثرگذار است. وجود همین غلام چقدر اثر دارد! چقدر در بیداری و رشد دل ها اثر گذاشته است! اگر نطفه جریان حضرت قاسم علیه السلام به عنوان نهضت نوجوانان، بسته شده و در حال رشد است و سال به سال شکوفاتر می شود این اثر را دارد که دل ها را با احساس و معرفت به این سمت سوق می دهد. اگر حضرت علی اکبر علیه السلام به عنوان نماد جوان گرایی، رشد جوان و الگوی جوان به درستی معرفی شود، اثرگذار خواهد بود. این فقط درباره اهل بیت علیهم السلام مطرح نیست. از یک سو کسی مثل جون مطرح است؛ از سوی دیگر اگر سالخوردگان را با بربر و مسلم و حبیب و .. گره بزنی، هر کدام از این ها می بینند که الگویشان در کربلا موجود است؛ می بینند کسی که می خواهند به او اقتدا کنند در کربلاست. ما هنوز بسیاری از شخصیت های کربلا را کشف نکرده ایم و برای بیدارگری ظرفیت خفته هستند. ما نتوانسته ایم؛ وگرنه چنانچه این باور ایجاد شود، آن گاه هر کسی در کربلا حضور داشته، طبق نقشه الهی در بیدارگری ظهور هم نقشی دارد. عاشورا نقشه ای برای حرکت ظهور است. اگر این باور ایجاد شد آن گاه به دنبال کشف و به دست آوردن آن نقشه می رویم؛ ولی الان این باور وجود ندارد. اصلاً نگاه ما به این نیست که عاشورا یک جریان بیدارگر و تمدنی است که می خواهد ظهور را بسازد؛ چون این نگاه را نداریم در نتیجه به نقش های جزئی افراد هم نگاه نمی کنیم. اگر آن الگو محقق شود، به دنبالش این نگاه محقق می شود و به دنبالش این رفتار.

جریان امام حسین
در روز ظهور
برای مردم آن زمان
روشن شده است.
سخن این نیست
که همه مردم ایمان
آورده‌اند؛ بلکه
سخن این است که
موضوع امام حسین
برای همه روشن
می‌شود و مردم
جهان این جریان را
می‌شناسند.

جهانی‌سازی عاشورا

نگاه دیگر این است که شعار امام زمان علیه السلام در روز ظهور، بالثارات الحسین علیه السلام است. آیا جریان خون‌خواهی حضرت می‌تواند فقط بین شیعیان مطرح باشد، درحالی‌که پرچم حضرت دارای این عنوان جهانی بوده و نگاهش جهانی است؟ امکان ندارد. پس جریان امام حسین علیه السلام در روز ظهور برای مردم آن زمان روشن شده است. سخن این نیست که همه مردم ایمان آورده‌اند؛ بلکه سخن این است که موضوع امام حسین علیه السلام برای همه روشن می‌شود و مردم جهان این جریان را می‌شناسند. منظور از مردم اعم از مسلمانان است. پس عاشورا یک جریان جهانی است. چه چیزی می‌تواند این جریان را به‌گونه‌ای مطرح و آشکار کند که شعار امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور - که خطابش به همه بشریت و نه فقط مؤمنین است - خون‌خواهی امام حسین علیه السلام باشد؟ وقتی امام زمان علیه السلام این شعار را می‌فرمایند، همه مردم باید امام حسین علیه السلام را بشناسند. چیزی می‌تواند این شعار را به مردم بشناساند که ذهن همه مردم با آن درگیر شده باشد.

اربعین بهترین نماد عاشورا

شاید بهترین نماد امام حسین علیه السلام راهپیمایی اربعین است؛ هر چند که دشمن آن را بایکوت کرده است. وقتی دشمن چیزی را بایکوت می‌کند، نشانه عظمت آن است. دشمن فهمیده که این حرکت چه ظرفیت عظیمی دارد؛ او فهمیده که این حرکت در بیداری مردم بسیار اثرگذار است؛ به گونه‌ای که امت‌های مختلف را در کنار هم جمع کرده است؛ دنباله این بیداری همان ظهور است. این‌ها نقاط کلیدی تاریخ هستند. هر پیامبری که می‌آمد زمینه تقاضای مرتبه بالاتر را در مردم ایجاد می‌کرد و سبب می‌شد پیامبر بعدی بیاید و مردم نقش بعدی را به‌عهده بگیرند. سببیت جریان عاشورا برای ظهور است؛ یعنی تمام تقاضا، تمام اقتضا و استعداد را برای ظهور ایجاد می‌کند. گفتن این‌ها ساده است؛ ولی اگر این‌ها را باور کردیم، مأموریت ما در هیأت‌ها با این نگاه چه می‌شود؟ نگاه تمدنی که از جریان عاشورا ایجاد شده و در دست ما قرار گرفته، فقط یک جریان تاریخی نیست. عاشورا فقط تاریخ نیست که برای آن به‌عنوان یک نقطه از تاریخ گریه کنیم. جریان عاشورا به‌عنوان یک جریان تمدن‌ساز، اقتضای آور و استعدادساز مطرح می‌شود. اگر عاشورا یک جریان استعدادساز شد، آن‌گاه هیأت باید طبق این نگاه شکل بگیرد. اگر یک هیأت خود را این‌گونه ببیند، آن‌گاه مداحی‌اش، مرثیه‌اش، سخنرانی‌اش، قالب‌های ظاهری‌اش، ظرفیت‌سازی‌ها و ورود و خروجش و افق نگاهش نیز متفاوت خواهد شد.

تغییر افق نگاه هیأت به سطح وجدان بشریت

هیأت می‌تواند افق نگاه خود را ایجاد دیپلماسی وجدان بشریت بداند، بشریت را مخاطب قرار دهد و خود را فقط در روستا و شهر خود محدود نبیند. از همین جا افق نگاهش را بیداری بشریت قرار داده است. اگر افق نگاه هیأت مطابق با هدف امام حسین (علیه السلام) باشد، تمام آن موارد باتوجه به این افق شکل می‌گیرد. تمام محتوا و ظاهر باید باتوجه به این افق شکل بگیرد. این از اشک نمی‌کاهد؛ بلکه اشک را عمیق می‌کند؛ از ظاهر و احساس کم نمی‌کند؛ بلکه احساس را فراتر از احساس یک روستا و شهر می‌برد؛ احساس را عظیم‌تر و قوی‌تر می‌کند. اگر جریان عاشورا جریان بیداری جهانی است که می‌خواهد ظهور را به دنبال داشته باشد آیا هدف هر جلسه‌ای که برای امام حسین (علیه السلام) تشکیل می‌شود همین است یا نیست؟ اگر هدفش این است پس باید قالب، محتوا، شکل و ظاهرش نیز با آن مطابق باشد.

حالا که می‌خواهید وجدان بشر را با هیأت بیدار کنید، چگونه باید قالب و محتوا را با این هدف تطابق داد که چنین اثری داشته باشد؟ اگر در هیأت جمع شویم و فقط گریه کنیم و تمام نشود، نشان می‌دهد که نگاه ما به افق‌های جهانی نبوده است. در این صورت نهضت امام حسین (علیه السلام) و استعداد بیداری را هدر داده و کوچک کرده‌ایم. این اشک‌ها آن ثارالله را ایجاد می‌کند. اگر فرموده‌اند که عاشورا نهضت اشک است، این نهضت اشک، نهضت خون‌خواهی را به همه عالم سرایت می‌دهد. امروزه هر حادثه‌ای در هر گوشه‌ای از عالم، جهانی می‌شود. الان اگر در میانمار اتفاقی بیفتد، به سرعت جهانی می‌شود؛ در هر گوشه‌ای از عالم اتفاقی بیفتد، به سرعت جهانی می‌شود. این ظرفیتی است که می‌تواند جریان امام حسین (علیه السلام) را جهانی کند.

اگر افق نگاه هیأت مطابق با هدف امام حسین (علیه السلام) باشد، تمام آن موارد باتوجه به این افق شکل می‌گیرد. تمام محتوا و ظاهر باید باتوجه به این افق شکل بگیرد. این از اشک نمی‌کاهد؛ بلکه اشک را عمیق می‌کند.

هیچ کس نسبت به اربعین بی‌وظیفه نیست

عده‌ای در اربعین زائر هستند و عده‌ای مهمان‌پذیر. این‌ها پذیرایی می‌کنند و خادم هستند. چه عراقی باشند، چه ایرانی. عده‌ای هم نتوانسته‌اند و نمی‌توانند در اربعین شرکت کنند. آیا پیوند و رابطه کسانی که نمی‌توانند در اربعین حضور داشته باشند، قطع شده یا آن‌ها هم وظیفه‌ای دارند؟ جریان اربعین در نهضت بیداری امام حسین (علیه السلام) مثل جریان «هل من ناصر ینصرنی» است؛ یعنی جریان اربعین حقیقتاً نصرت امام حسین (علیه السلام) است. کسی که می‌تواند به پیاده‌روی برود، باید برود؛ کسی که می‌تواند خادم باشد، باید به‌عنوان خادم برود. کسی که به‌هر دلیلی نمی‌تواند در هیچ‌یک از این‌ها باشد او هم در حقیقت بی‌وظیفه و بی‌ارتباط نیست. وظیفه او جهانی کردن این نهضت و کوشیدن در محقق کردن مقدمات و مؤخرات است. اگر این نگاه ایجاد شد هیچ‌کس در هیچ گوشه‌ای خود را بی‌ارتباط با جریان اربعین نمی‌بیند.

جریان اربعین یک نقطه وحدت و یک حرکت واحد ایجاد می‌کند که مؤمنین را به هم گره می‌زند؛ چشمه جوشانی می‌شود که همه رودها و جوی‌ها و آب‌ها و قطرات به آن ملحق می‌شوند. این همان ظهور امامت امام حسین (علیه السلام) در جریان اربعین است. اگر ما نگاه خود را به

اربعین چنین نگاهی قرار دادیم آن‌گاه هر کسی در هر ارتباطی به حضرت وصل می‌شود؛ یکی در راهپیمایی، یکی در خدمتگزاری، یکی در پشت پرده، یکی در کشور خودش و ...؛ بنابراین هر کس به‌نحوی این جریان را جهانی می‌کند؛ مقدماتی را فراهم می‌کند و این جریان را به غایت می‌رساند. این نگاه جهانی به جریان امام حسین علیه السلام به‌نوعی تفسیر تاریخ است. ما با جریان عاشورا، تاریخ و حوادث را چه در زندگی اجتماعی، چه در سنت تاریخی و چه در زندگی فردی تفسیر کرده‌ایم. عاشورایی که ظهورساز است؛ عاشورایی که نتیجه‌اش ظهور است. اگر با این نگاه تفسیر کردیم آن‌گاه جریان اربعین و عاشورا و امام حسین علیه السلام در متن زندگی افراد و جامعه و اجتماع هم راه پیدا می‌کند.

پیروزی انقلاب اسلامی کجا اوج گرفت؟ امام علیه السلام در آخرین ماه محرم که به سال ۵۷ رسید، فرمودند که محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر است. ماه پیروزی خون بر شمشیر به‌نظر یک بیان ساده است؛ ولی این سخن که خون بر شمشیر قدرت پیروزی دارد، نوعی فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی است. در جریان امام حسین علیه السلام با اینکه حضرت شهید شدند، ولی پیروزی با ایشان بود. غلبه فقط سلطه ظاهری نیست. غلبه به این است که خط هدایت باقی بماند. همان‌طور که امام سجاد علیه السلام فرمودند: «نگاه کنید و ببینید هنگام اذان نام چه کسی فریاد زده می‌شود». این‌ها می‌خواستند اسم پیغمبر صلی الله علیه و آله محو شود؛ ولی اسم پیغمبر صلی الله علیه و آله در همان اوج سلطنت دشمن هم باقی ماند. جریان عاشورا یک جریان تمدن‌ساز است. در آغاز هم کاملاً آشکار شد که در عاشورا، امام حسین علیه السلام برنده و غالب شده است.

این نگاه جهانی به
جریان امام حسین
علیه السلام به‌نوعی تفسیر
تاریخ است. ما با
جریان عاشورا،
تاریخ و حوادث
را چه در زندگی
اجتماعی، چه در
سنت تاریخی و چه
در زندگی فردی
تفسیر کرده‌ایم.

حرکت کاروانی کربلا و ادامه آن در تاریخ

حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه و از مکه تا کربلا یک حرکت کاروانی است. حرکت کاروانی خصوصیتی دارد. در میان کاروان افراد ضعیف و قوی، پیر و جوان، کوچک و بزرگ، و زن و مرد وجود دارد. در حرکت کاروانی هر کسی نمی‌تواند فقط نان خودش را به‌دست بیاورد و گلیم خودش را از آب بیرون بکشد؛ بلکه هر کسی می‌داند که همه باید با هم و پشت یک پرچم حرکت کنند. کاروان یک پرچم‌دار دارد که همه پشت سر او حرکت می‌کنند؛ حرکت از مدینه آغاز می‌شود و به مکه و سپس به کربلا می‌رسد. این خط همچنان با زینب علیها السلام به‌صورت یک حرکت کاروانی ادامه می‌یابد. پس از عصر عاشورا هم کاروان مطرح است؛ یعنی زینب علیها السلام در پرتو نورانیت امام سجاد علیه السلام کاروان سالاری می‌کند و اسرا را با کاروان عبور می‌دهد. این حرکت کاروانی در نهضت امام حسین علیه السلام سبب شده است که الان حرکت‌های مؤمنین در به‌پاکردن خیمه‌های امام حسین علیه السلام یک حرکت کاروانی و مرتبط و متصل به آن حرکت باشد.

اگر نگاه حرکت کاروانی ایجاد شود، روح جمعی ایجاد می‌گردد. روح جمعی یعنی من‌ها تحت یک من قرار می‌گیرند که همان پرچم‌دار است. اگر این نگاه ایجاد شود، ما حرکت‌های جمعی را انجام می‌دهیم؛ ولی به آن توجه نداریم. در حرکت کاروانی هم حرکت وجود دارد و توقف در آن نیست؛ یعنی اگر می‌نشینیم و سخنرانی گوش می‌کنیم، در این نشستن هم حرکت می‌کنیم. سخنرانی باید با قالب حرکت سازگار باشد؛ سخنرانی نباید توقف ایجاد کند. مداحی و مرثیه باید به‌گونه‌ای باشد که سیر و حرکت ایجاد کنند؛ چون حرکت کاروان مطرح است. مخاطب مداحی و سخنرانی هم یک کاروان است، نه فرد و قشری خاص. اگر این نگاه ایجاد شود آن‌گاه در حرکت کاروانی شرح‌صدر خیلی زیاد می‌شود. این حرکت کاروانی در خیمه‌هایی که به عشق امام حسین علیه السلام به‌پا می‌شوند، اشباع شده است. دقت در حرکت کاروانی، سیر در درون و دست‌جمعی‌بودن آن است.

حب و بغض در تمدن‌سازی

آنچه در جریان تمدن‌ساز تأثیرگذار است، جریان حب و بغض است. از حضرت امام صادق علیه السلام می‌پرسند: «در دوران غیبت که ما از امام محروم می‌شویم برای دست‌یافتن به امام چه کنیم؟ وقتی امام را نمی‌بینیم، چه کنیم؟». حضرت می‌فرماید: «محبت‌ها و بغض‌های سابق را تثبیت کنید و نگه دارید». این سخن نشان می‌دهد که محبت‌ها و بغض‌هایی که شکل گرفته، رساننده‌اند؛ لذا جریان امام حسین علیه السلام یک ارتباط محبتی در این کاروان ایجاد می‌کند؛ مثلاً کسی که استاد دانشگاه یا فرد متمکن و متخصصی است، حاضر است در نهضت امام حسین علیه السلام جاروکاری کند و این کار را هم افتخار می‌داند؛ او ارتباط با امام را تشخص خود می‌بیند، نه تشخص‌های اعتباری و پولدار بودن و مقام‌داشتن را. این نشان می‌دهد که قدرت امام حسین علیه السلام خیلی زیاد است.

یک زائر عرب در پیاده‌روی اربعین می‌گفت: «در وجود عرب‌ها نوعی پلنگ‌دماغی و تکبر هست؛ ولی وجود امام حسین علیه السلام چنان اثرگذار است که همین مردم عرب - که در غیر اربعین اصلاً چنین حالتی ندارد - در جریان اربعین التماس می‌کنند و روی زمین می‌نشینند و دست زائر را می‌بوسند و پای او را می‌شویند تا زائر مهمانش شود و او با آنچه در طول سال آماده و ذخیره کرده، از او پذیرایی کند». او می‌گفت: «این خیلی اثرگذار است و خیلی تغییر شخصیت ایجاد می‌کند». فقط محبت می‌تواند این تغییر شخصیت را ایجاد کند. هیچ چیز دیگری قدرت ندارد که این‌گونه تغییر شخصیت ایجاد کند. این توان در جریان نهضت امام حسین علیه السلام هست.

فقط محبت می‌تواند
این تغییر شخصیت
را ایجاد کند. هیچ
چیز دیگری قدرت
ندارد که این‌گونه
تغییر شخصیت
ایجاد کند. این توان
در جریان نهضت
امام حسین علیه السلام
هست.

محبت به جریان امام حسین علیه السلام عامل ظهور

الان به کارگیری این توان در دست ماست. مردم می آیند و هزینه می کنند. مردم برای هیچ چیزی مثل جریان امام حسین علیه السلام خرج نمی کنند و همین امر، آن را ماندگار کرده است؛ دل های مردم را گره زده است؛ چون از جنس محبت است. این محبت سرمایه عظیمی است که ظهور از آن نشئت می گیرد. اگر این محبت را به جریان ظهور گره بزنیم، زمینه ظهور ایثارگری برای تحقق ظهور خواهد بود؛ چون ظهور، ایثارگری می خواهد. فتنه ها در پیش است. تحقق ظهور با این محبت می تواند انسان را از فتنه ها عبور دهد. کسانی که می خواهند انسان فقط تعقل کند، باید بدانند که با تعقل تنها، عبور از فتنه ها محقق نمی شود. هم تعقل لازم است، هم محبت که همان احساس است.

اگر این نگاه را در جریان نهضت امام حسین علیه السلام به عنوان یک نگاه تمدن ساز دیدیم تفسیر ما از جریان امام حسین علیه السلام متفاوت می شود. آن گاه در راهپیمایی و پیاده روی اربعین، نگاه عظیمی به ظهور می شود؛ یعنی نقش اربعین در جهانی سازی نهضت امام حسین علیه السلام و مخاطب سازی وجدان بشریت یک نقش بی بدیل است. در این نگاه هر کسی خودش را درون این رابطه تعریف

می‌کند و در جمعیت محو نمی‌شود که احساس کند فقط باید حضور داشته باشد؛ بلکه دنبال ایفای نقش خویش است؛ دنبال این است که در جریان ظهور و تمدن ظهور چه نقشی باید داشته باشد.

گاهی ممکن است کسی با این نگاه احساس کند که در این اجتماع عظیم فلان نقش را باید برعهده بگیرد. این به او نقش می‌دهد. اگر این نگاه ایجاد شد با محصول دیگری می‌رود. او دیگر خاموش نیست و حرکت دارد. خودش هم رشد می‌کند. وقتی می‌رود و برمی‌گردد، می‌فهمد که بار مسئولیت سنگین‌تری بر دوش دارد. اگر ما با این نگاه به جریان عاشورا نگاه کنیم، می‌فهمیم که سربازگیری در جریان امام زمان علیه السلام از نهضت عاشورا است؛ یعنی کسی سرباز امام زمان علیه السلام می‌شود که در جریان نهضت عاشورا امتحان خود را به خوبی پس داده باشد؛ لذا پرچم یا لثارات الحسین علیه السلام نشان می‌دهد که از چه کسی سربازگیری می‌کنند؛ از کسانی که آماده خون‌خواهی شده‌اند. سربازگیری نهضت امام زمان علیه السلام از جریان عاشورا است. در این صورت به اندازه‌ای که خود را با نگاه ظهور به جریان عاشورا ارتباط دهیم، بودن و ماندنمان جزو سربازان قطعی می‌شود. این، شعار نیست. این‌ها مضمون روایات است که این ارتباط را ایجاد کرده است. کسانی در اینجا موفق‌تر بودند که رابطه قوی‌تری با جریان امام حسین علیه السلام داشتند. در آن زمان برای انسان حسرت باقی می‌ماند؛ چون وقت گذشته و چنین کسی ظرفیت‌های خود را به دست نیاورده است. این حسرت می‌ماند که هر چه ارتباط کسی با جریان نهضت امام حسین علیه السلام با این نگاه تمدنی بیشتر باشد، او جزو لشکر امام زمان علیه السلام و قوی‌تر می‌شود.

کسانی که
می‌خواهند انسان
فقط تعقل کند، باید
بدانند که با تعقل
تنها، عبور از فتنه‌ها
محقق نمی‌شود. هم
تعقل لازم است،
هم محبت که همان
احساس است.

اثر گریه احترامی و حماسی بر امام حسین (ع)

گریه ترحمی این است که وقتی انسان گریه کرد و از جلسه بیرون آمد، احساس کند که راحت شده است. در گریه احترامی و حماسی وقتی فرد از جلسه بیرون می‌آید بار مسئولیت سنگین‌تر و عظیم‌تری را روی دوش خود احساس کند؛ یعنی احساس می‌کند که تکلیف بالاتری بر دوش دارد؛ چون بیدارتر شده است. گاهی انسان فقط از اینکه خوب گریه کرده خدا را شکر می‌کند. جریان امام حسین (ع) خیال کسی را راحت نمی‌کند؛ بلکه بار مسئولیت بیشتری بر دوش می‌گذارد. وقتی کسی به خیمه امام حسین (ع) می‌آید و از خیمه خارج می‌شود باید احساس کند که قدرت اراده‌اش قوی‌تر شده، عزمش بالاتر رفته و بیداری‌اش بیشتر شده است. در این صورت مسئولیت بیشتر می‌شود یا کمتر؟ آیا انسان احساس می‌کند راحت شده و یا تازه آماده حرکت شده است؟ یعنی تازه برای حرکت آماده شده است. اگر گریه کردید و برای حرکت بالاتر و عزم بیشتر، آماده شدید، معلوم می‌شود که گریه درست انجام شده است. نمی‌گوییم آن گریه و یا گریه ترحمی بی‌ارزش است؛ ولی اگر در آن گریه متوقف شدیم، باعث سقوط ما می‌شود. نباید متوقف شویم؛ یعنی نباید نهضت امام حسین (ع) را به یک ترحم تبدیل کنیم. با این کار، نه فقط خودمان را

ضایع کرده‌ایم؛ بلکه اهداف حضرت را نیز ضایع نموده‌ایم؛ چون حضرت نمی‌خواستند شهید شوند که به او ترحم کنند. حضرت می‌فرمایند: «من قیام کردم تا دین رسول خدا ﷺ احیا شده و امر به معروف و نهی از منکر زنده شود. تا منکر، منکر بماند و معروف، معروف؛ یعنی معروف، منکر نشود و منکر، معروف».

اگر کسی وارد جریان امام حسین ﷺ شود، یاری امام حسین ﷺ برای ترحم به حضرت نیست. برای این است که حضرت را در اهداف ایشان و در پیاده‌شدن این نگاه یاری کنیم. این همان گریه حماسی و گریه حرکت‌دهنده است. این گریه‌ای است که انسان را به عزم و اراده بالاتر می‌رساند. اراده را به اراده امام حسین ﷺ گره می‌زند. افراد لشکر امام حسین ﷺ افراد قابل ترحم بودند یا قابل احترام؟ قابل ترحم یعنی افراد ضعیف. انسان به چه کسانی ترحم می‌کند؟ به کسی که ضعیف و بدبخت و بیچاره است؛ ولی به شخصیت‌های بزرگ احترام می‌گذارد. افرادی که در جریان عاشورا شهید شدند، افرادی بزرگ بودند یا کوچک؟ معلوم است که گریه بر آن‌ها هم گریه قابل احترام است. گریه، احترام‌آمیز و مسئولیت‌آفرین است. اگر گریه ترحمی شد، هم خود را کوچک کرده‌ایم، هم گریه را و هم امام حسین ﷺ و اهدافش را.

اگر گریه کردید و
برای حرکت بالاتر
و عزم بیشتر،
آماده شدید، معلوم
می‌شود که گریه
درست انجام شده
است.

رابطه ظهور و فراگیری عاشورا

جریان ظهور، جریانی است که در آن جریان امام حسین علیه السلام فراگیر می‌شود. فراگیر شدن جریان امام حسین علیه السلام ظهور را تعجیل می‌کند. ما باید جریان اربعین و جریان عاشورا را فراگیر کنیم. فراگیری یعنی جهانی‌شدن. چیزی که می‌خواهد فراگیر و جهانی شود باید مسیر، اهداف و قالب‌های حرکتش جهانی باشند. هر قدر امام حسین علیه السلام در وجدان بشریت بیشتر مطرح و تأثیرگذار شود، به ظهور نزدیک‌تر شده‌ایم. ما اگر به دنبال ظهور و تعجیل هستیم، راه تعجیل ظهور، جهانی‌تر کردن نهضت امام حسین علیه السلام است. وجدان بشریت را باید با عاشورا مخاطب قرار داد. پس خط سیر خدای سبحان برای بشریت از آغاز سلسله انبیاء علیهم السلام تا پایان آن، یک خط سیر واحد است؛ تفسیر تاریخ با وجود انبیاء علیهم السلام ممکن می‌شود. جریان عاشورا بزرگ‌ترین تفسیر تاریخ با رنگ و بوی عاشورایی است. رنسانس تفسیر تاریخ نیست؛ عاشورا تفسیر تاریخ است. ظهور را عاشورا می‌سازد، و جریان اربعین، انسان را به تعجیل در ظهور می‌رساند.

هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سوبش حرکت نمود. همان هیأت الگویی که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر^{علیه السلام} باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...



در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.



کتابخانه‌های انقلاب



که به دنبال ارتباط بیشتر
محتان سیدالشهدا^{علیه السلام} است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
انجا، جای آرم هیأت شماس
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.1542.org
info@1542.org

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است